

خلاقیت و نوآوری برای حل مشکلات

نوشته: دکتر محمود ساعتچی
روانشناس و دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی



آشنائی با نویسنده

آقای دکتر محمود ساعتچی دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی و دارای درجه دکترا از دانشگاه الله آباد هند می‌باشند. مشارالیه دارای تحقیقات و تالیفات بسیاری در زمینه روانشناسی کار و رضار سازمانی بوده و دارای سوابق طولانی در زمینه تدریس و تحقیق روانشناسی و مدیریت می‌باشند، از تالیفات ایشان می‌توان به کتب اصول روانشناسی مان، روانشناسی در کار و اصول و فنون اجرای مصاحبه اشاره داشت.

چکیده

غالباً می‌اندیشیم آنچه را که تاکنون انجام داده‌ایم و راه‌حل‌هایی را که برای مشکلات پیش روی خود انتخاب کرده‌ایم، بهترین بوده است و وضعیت کنونی ما نیز بیشتر نتیجه تقدیر بوده است تا دخالت موثرمان در حل این مشکلات. اما کسانی که به نیروهای شگرف ذهنی خود پی برده‌اند و با خودآموزی استعدادهای خلاق خود را پرورش داده‌اند، شواهدی را ارائه کرده‌اند که می‌توانیم اطمینان داشته باشیم اگر ما نیز تخیل خلاق خود را پرورش دهیم و از مرحله رویاهای بیداری گذشته و به مرحله تخیل خلاق برسیم، قادر خواهیم بود مشکلات را دقیق‌تر تحلیل کنیم و برای این مشکلات راه‌حل‌های اثر بخش‌تری را نیز پیدا کنیم.

با مطالعه مقاله حاضر و انجام تمرینات آن، شما نیز قادر خواهید بود مشکلات را با ذهنی بازتر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و از این پس برای هر مشکل، هر چند هم که ساده تلقی شود راه‌حل‌های موثرتری را بیابید.

نظام‌های خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و بالاخره فضای روانی سازمانی که در آن بکار مشغول هستیم آنچنان در عقیم گذاشتن خلاقیت اعضای خود موفق هستند که وقتی به سن بزرگسالی می‌رسیم باور نداریم که ما نیز می‌توانیم خلاق و نوآور باشیم و در مقابل، می‌اندیشیم که خلاقیت و نوآوری خاص عده‌ای از هنرمندان، موسیقیدانان و مخترعین است. باید دانست که این نوع نتیجه‌گیری نادرست است، ولی اگر ما به آن اعتقاد داشته باشیم، در عمل صحت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اگر شخصی باور نداشته باشد که او نیز می‌تواند فکری خلاق و نوآور داشته باشد، بر اساس همین شیوه فکری نیز عمل خواهد کرد و در آنصورت خلاقیتی نیز نخواهد داشت. به همین دلیل قانع کردن یک کارگر ساده، یک کارمند یا مدیر یک واحد نسبت به اینکه او نیز دارای توانایی و استعداد بالقوه برای تفکر خلاق است، کار بسیار مشکلی خواهد بود.

اما خوشبختانه تجربه نشان داده است که هر چند یک فرد استعداد خلاق خود را بکار نگرفته باشد، معه‌ذا این توانایی یا استعداد از بین نمی‌رود. در واقع توانایی شخص برای خلاق و نوآور بودن در حال کمون باقی می‌ماند، اما می‌توان آن را دوباره احیاء کرد. هر چند گفته شده است که بین افراد از نظر توانایی خلاق و نوآور بودن تفاوت‌هایی وجود دارد، اما اندازه‌گیری دقیق آن کمتر امکان‌پذیر می‌باشد. از طرف دیگر، اگر این تفاوت نیز وجود داشته باشد در اصل موضوع اثر قابل توجهی ندارد. در درون هر یک از، گنجینه خارق‌العاده‌ای از توانایی برای خلاق و نوآور بودن وجود دارد که غالباً عقیم باقی می‌ماند. شاید بتوان گفت که معمولاً مردم حدود ۲۰ درصد از انرژی بالقوه خود برای خلاق بودن را به کار می‌گیرند و حدود ۸۰ درصد از این توانایی را مانند زمینی بایر و بدون استفاده باقی می‌گذارند. شاید تفاوت افراد از این حیث بیشتر باشد و حداقل می‌توان گفت که بعضی از افراد کمترین بهره‌ای از توانایی بالقوه خود برای خلاق و نوآور بودن نمی‌برند.

یکی از مثالهایی که در این مورد می‌توان ذکر کرد، رهبری و اداره یک گروه از کارکنان سازمان است. هر چند ممکن است بعضی از مدیران به دلایل متعدد در رهبری و اداره یک گروه خاص بهتر از دیگران عمل کنند. اما شکی وجود ندارد که هر فردی که مسئولیت اداره و رهبری یک گروه شغلی را به عهده دارد، می‌تواند توانایی رهبری خود را افزایش دهد. اولین نکته‌ای که باید مورد توجه چنین شخصی قرار گیرد، آنست که

مطالعه صرف در زمینه مدیریت و مهارت‌های رهبری و خصوصیات مدیر موفق به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده توفیق او در رهبری سازمان شود در این مورد باید:

- ۱- علاقه او نسبت به اداره و رهبری موثر گروه‌های کار زیاد باشد.
 - ۲- مدیران موفق را در عمل مورد توجه و مطالعه قرار دهد.
 - ۳- در زمینه تحقیقات مدیریت و رهبری موثر مطالب بسیاری را مطالعه کند.
 - ۴- تحت نظر استادان دانشمند و با تجربه آموزش ببیند.
 - ۵- از همه ابزارها و وسایل لازم برای موفقیت در کار رهبری در سازمان، بهره بگیرد و سپس همه آنچه را که در کار رهبری موثر است بکار گیرد و اشتباهات خود را نیز به طور مداوم تصحیح کند تا بتواند در کار رهبری موفق باشد.
- در حیطه خلاقیت نیز مانند آنچه که در زمینه رهبری گفته شد، هر چند توانایی بالقوه بعضی برای خلاق بودن بیشتر از بعضی دیگر است، اما همه می‌توانیم توانایی خود را برای خلاق بودن افزایش دهیم. در این مورد نیز داشتن میل و آرزوی بسیار برای خلاق بودن، صحبت با افراد خلاق، و کسب معرفت از استادی توانا به تنهایی نمی‌تواند ما را خلاق و نوآور سازد. لازمه خلاق بودن آنست که توانایی بالقوه خود را برای خلاق بودن در عمل بکار گیریم و سپس به تمرین صحیح و منظم در این زمینه پردازیم. در واقع باید گفت که چون بیشتر مردم از توانایی خود برای خلاق و نوآور بودن کمترین بهره را می‌گیرند، بنابراین حتی تلاشی اندک برای پرورش آن می‌تواند به نتایج جالب و گاه باور نکردنی منجر شود.

تعریف و ماهیت خلاقیت

در سال ۱۹۵۰، هنگامی که «گیلفورد» در آخرین سخنرانی خود به عنوان رئیس انجمن روانشناسی آمریکا سخن می‌گفت، اظهار داشت که تا آن زمان حدود یکصد هزار تحقیق در زمینه روانشناسی به چاپ رسیده است که کمتر از دویست پژوهش مربوط به خلاقیت بوده است. اما از آن زمان تا کنون به دلیل نفوذ انقلاب شناختی در روانشناسی، در مطالعات مربوط به خلاقیت افزایش چشمگیری مشاهده می‌شود (بارون و هارینگتون، ۱۹۸۱).

اما خلاقیت چیست؟ برای خلاقیت نیز مانند مفاهیم طبیعی دیگر، نمی‌توان تعریف

دقیقی ارائه داد. روانشناسان معمولاً خلاقیت را به عنوان شکلی از حل مشکل تعریف می‌کنند که از خصوصیت آن ارائه راه‌حلهای بدیع، نو و جدید و مفید برای مشکلات هنری، علمی یا عملی، است (مامفورد و گوستافن ۱۹۸۸). «هنری پوانکاره» ریاضی‌دان بزرگ فرانسوی (۱۹۴۸ ص ۱۶) می‌گوید، «خلاقیت یعنی تشخیص، تمیز، بصیرت، دریافت، درک و انتخاب». بنابراین، اگر شما قلم موئی را در دست یک میمون بگذارید و رنگ را نیز در کنارش قرار دهید، هر چند ممکن است طرحهای بدیع و جدیدی روی پرده نقاشی ترسیم کند، اما نمی‌توان آنرا نمونه یا نشانه خلاقیت دانست. بنابراین می‌توان گفت، «خلاقیت یعنی ترکیب مجدد عقاید، اندیشه‌ها، افکار، تصورات و انگاره‌هایی که قبلاً برای فرد شناخته شده است اما به شیوه‌ای جدید و متفاوت با قبل».

مشخصات افراد خلاق

آیا افراد خلاق دارای ویژگی‌های خاصی هستند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چند افراد خلاق از هوش بالاتر از متوسط برخوردار هستند، اما برای اینکه فرد بسیار خلاق باشد ضرورتاً نباید نابغه باشد (نیکولز ۱۹۷۲). افراد خلاق تازگی و بدیع بودن را ترجیح می‌دهند، پیچیدگی مسائل توجه آنان را جلب می‌کند، و به قضاوت‌های مستقل می‌پردازند (بارون هارینگتون ۱۹۸۱). علاوه بر آن، توانایی تمام کردن، کامل کردن و یکی کردن افکار گوناگون در این افراد بیش از دیگران است.

افراد خلاق در یکی کردن «تفکر کلامی» با «تفکر بصری» (کرشنر و لجر ۱۹۵۸) و تفکر منطقی و مبتنی بر واقعیت با تفکر غیرمنطقی و تخیلی (سالتر ۱۹۸۰) سرآمدتر از افراد غیرخلاق هستند.

افراد خلاق بیشتر به وسیله علایق درونی خود نسبت به کارهای خلاق برانگیخته می‌شوند تا عوامل بیرونی نظیر شهرت، پول، یا تأیید دیگران. در واقع، وقتی دلایل بیرونی باعث انجام کارهایی می‌شود که ذاتاً جزو کارهای فکری خلاق به حساب می‌آید، ممکن است شخص انگیزه خود را برای انجام آن از دست بدهد.

خلاقیت و احساس امنیت

اگر شما مدیر یک واحد هستید و می‌خواهید خلاقیت افراد تحت نظارت شما

افزایش یابد، باید توجه داشته باشید که محیط مناسب برای پرورش و ظهور خلاقیت برای افراد مختلف متفاوت است. آنچه که برای یک فرد «محیط پرورش دهنده» محسوب می‌شود، ممکن است برای دیگری فرونشاندنده خلاقیت و نوآوری باشد. بعضی از افراد در فضای آرام خلاقتر هستند و بعضی دیگر در محیط‌هایی نوآورتر هستند که تحریک ذهنی مداوم دریافت کنند. اما آنچه که شما می‌توانید به عنوان یک مدیر یا مسئول هماهنگی فعالیت‌های دیگران در جهت نیل به هدف یا هدفهای معین انجام دهید آنست که نوعی محیط یا اصطلاحاً «جزیره امن روانی» و آنچنان فضای روانی برای آنان فراهم آورید که هر یک از آنان بتوانند با «احساس امنیت کامل» آنچه را که در زمینه خاصی فکر می‌کند بیان دارد و از بابت بیان نظریات و افکاری که به ذهنش رسیده است ترسی نداشته باشد و بداند که به خاطر آن مورد تمسخر دیگران قرار نمی‌گیرد یا بدتر از آن، مجازات نخواهد شد. بسیاری از کارکنان سازمان‌های گوناگون تولیدی، آموزشی، خدماتی به دلیل فقدان فضای روانی مناسب در محل کار خود می‌ترسند استعداد خلاق خود را نشان دهند. آنها می‌دانند یا به این نتیجه رسیده‌اند که اگر نظریات جدیدی را مطرح سازند، ممکن است مورد تمسخر دیگران و حتی مورد آزار و اذیت افراد خاصی در سازمان قرار گیرند، ترس از اینکه دیگران به ما بخندند و مورد تمسخرمان قرار دهند، می‌تواند خلاقیت و نوآوری ما را خنثی کند.

در این صورت از قرار گرفتن در موقعیت‌هایی که فکر می‌کنیم آزار دهنده خواهد بود اجتناب می‌کنیم و استعداد خود را برای خلاق و نوآور بودن عقیم می‌سازیم.

برای بالندگی و استفاده از قدرت خلاق خود می‌توانید اقدامات زیر را انجام دهید:

برنامه مورد نظر تان را پیش چشم نمودار سازید: برای هدف‌هایی که برای خود انتخاب کرده‌اید، برنامه ریزی کنید. وقتی می‌خواهید هدف‌های مورد نظر تان را تحقق بخشید، به احتمال زیاد با مشکلات و موانعی مواجه خواهید شد. در جریان حل مشکلات موارد بسیاری پیش می‌آید که نیازمند خلق یا ابداع و طرح روشها، فرآیندها یا ابزار و اشیاء جدیدی هستید که قبلاً به آن صورت خاص وجود نداشته‌اند.

فرض کنید می‌خواهید محیط فیزیکی کار افراد تحت نظارت خود را با توجه به نتایج تحقیقات روانشناسی صنعتی بهبود بخشید. شما مسئولیت اداره و رهبری یک سازمان آموزشی را به عهده دارید و عده‌ای استاد و صاحب نظر در زمینه‌های گوناگون در آنجا به

کار اشتغال دارند. متوجه شده‌اید ماهیت کار آنان چنان است که نیاز به کتابخانه شخصی، اطاق کار شخصی، فضایی آرام و بدون سر و صدا، وسایل مناسب کار، روشنایی مناسب و نظایر آن دارند. هر چند امکانات محدود مالی سازمان شما را با مشکلاتی مواجه می‌سازد، اما کار سنگین و مشکلتر شما تلاش برای دستیابی به کیفیت بالای خلاقیت و نوآوری برای تحقق هدفی است که در پیش دارید. به کدام استادان اطاق یکنفره داده شود؟ از فضای سازمان آموزشی چگونه استفاده شود؟ چه نوع ابزار و وسایلی برای آنان فراهم آید؟

رنگ اطاقها چگونه باشد؟ میز و صندلیها چگونه در اطاقها گذاشته شود و... باید دانست که اگر قبل از شروع به انجام یک کار قبلاً همه جزئیات آن و نتایج نهایی آنرا در پیش چشم خود مجسم کنیم، در آنصورت:

۱- کارهای سخت ساده‌تر خواهد شد.

۲- هدفمندی بیشتری در آن احساس خواهد شد.

۳- تولید در معنی عام آن افزایش خواهد یافت و بالاخره آنچه را که ابداع یا خلق یا تولید کرده‌ایم، جذابتر یا مطلوبتر جلوه خواهد کرد.

شاید شما قصد نداشته باشید کیفیت فیزیکی و روانی محل کار خود را بهبود بخشید و قصد ما نیز از بیان این مثال بیان این واقعیت مهم است که «اگر» می‌خواهید در کارهای خود موفق شوید، باید «هر کار خود را با برنامه‌ای شروع کنید، نتایج نهایی دلخواه خود را کاملاً روشن سازید و بتوانید این نتایج را در جلوی چشم خود مجسم کنید.»

برای تهیه یا ابداع برنامه‌ای که در نظر دارید، باید از نیروی خلاق، تخیل و نیز از تجربه‌ها و دانش خود، توأمآ بهره‌گیری کنید. با انجام این اقدامات متوجه خواهید شد که چگونه تخیل شما فعال شده است، افکار و برنامه‌های بدیعی به ذهنتان می‌رسد و برای پیدا کردن راه‌های بدیع برای مشکلات خود علاقه‌نشان می‌دهید و مهمتر اینکه اراده شما برای اجرای برنامه‌های بدیع نیز قویتر شده است.

وقتی هدف‌های والای شما تحقق خواهند یافت و جنبه «واقعی» به خود می‌گیرند که شما آنها را با کمک «تخیل» خود به «برنامه‌های عملی و قابل اجرا» تبدیل کنید. با انجام این کار خواهید آموخت که چگونه آرزوهای خود را تحقق بخشید و آنچه را که به ذهنتان رسیده است به عمل تبدیل کنید و به این ترتیب کشف خواهید کرد که چگونه

می‌توان اساسی‌ترین و جالبترین فرآیند ذهنی یا «توانایی برای خلاق و نوآور بودن» را در خود فعال سازید و آنرا در حل مشکلات زندگی بکار گیرید.

تخیل خلاق

منظور از «تخیل خلاق»، همان قدرت یا نیرویی است که شما برای طراحی برنامه‌ها، یافتن روش‌های بهتر انجام کارها و حل مشکلات، بکار می‌گیرید. تخیل نیز وسیله‌ایست که برای انجام موفقیت‌آمیزتر کارها یا دستیابی به یک هدف خاص، بکار گرفته می‌شود. اگر شما نیز معتقدید که «خلاقیت» تنها خاص نویسندگان بزرگ، هنرمندان، دانشمندان، مهندسين طراح و نظایر آنست، از این پس این باور خود را کنار گذارید. هر فردی که کاری را انجام می‌دهد، می‌تواند خلاقیت و نوآوری نیز داشته باشد. حتی انجام یک کار ساده مثل جارو کردن کف اطاق را می‌توان با فکر کردن در مورد اینکه چگونه می‌توان آنرا اثر بخش‌تر و سریع‌تر به انجام رسانید، با خلاقیت بیشتری انجام داد. در نظر داشته باشید که حتی اگر یک نفر رفتگر در کار جارو کردن خلاقیت و نوآوری نشان دهد، به احتمال زیاد در شغل خود موقعیت بهتری پیدا خواهد کرد.

منظور از «تخیل خلاق» نیرویی است که شخص برای پیدا کردن راه‌های بهتر انجام دادن یک کار دلخواه، بکار می‌گیرد. به یاد داشته باشید که خلاقیت در نتیجه صبر و حوصله یا انتظار شما برای اینکه ناگهان جرقه‌ای در ذهنتان زده شود و راه حلی به شما الهام گردد، به وجود نمی‌آید.

خلاقیت با بکارگیری منظم و نظام‌دار تخیل در زمینه آنچه که انجام می‌دهید، ظاهر می‌شود. درست است که گاه جرقه‌های الهام به ذهن انسان می‌رسد، اما این اتفاق ممکن است بعد از هفته‌ها، ماهها و حتی سالها طراحی، تفکر و تخیل مداوم و زیاد به وقوع بپیوندد. برای رسیدن به این هدف نیز باید تصورات ذهنی و تخیلات خود را به «شیوه‌ای مناسب» و «هر روز» به کار بگیرید.

اگر این تمرین را برای مدتی ادامه دهید به زودی عادت ابداع و خلق افکار و عقاید جدید در شما شکل خواهد گرفت و برنامه ریزی و حل مشکل به صورت بخشی از فعالیت عادی شما درخواهد آمد.

خطراتی که باید از آن اجتناب کنید

باید مراقب باشید که وقتی تخیل شما در مسیری ناسودمند فعال می‌شود، فوراً آنرا متوقف سازید. نمونه‌هایی از اینگونه تخیل‌های ناسودمند عبارتند از:

۱- رویای روزانه (بیداری): همه مردم رویای روزانه را به درجات مختلف تجربه می‌کنند و اینگونه رویاهای روزانه هنگامی ناسودمند تلقی می‌شوند که شخص بیش از حد در رویاهای روزانه خود فرو می‌رود یا کنترل آن برای فرد غیر ممکن به نظر می‌آید. در رویاهای روزانه، شخص خود را در موقعیت‌های گوناگون و دلخواه می‌بیند و بسیاری از این رویاها بقدری عجیب و غریب است که باعث می‌شود فرد از واقعیت‌ها دور شود. «از رویاهای روزانه باید به عنوان نقطه شروعی برای شکل دادن به احساس بلند پروازی معقول، استفاده کرد». جملاتی که فرد در زمینه هدف‌های نهایی خود می‌گوید با رویاهای روزانه او شروع می‌شود. بنابراین، «اجازه ندهید از رویاهای روزانه سازنده محروم شوید».

رویای روزانه هنگامی نامطلوب یا حداقل ناسودمند تلقی می‌شود که بر پایه تخیل خلاق انجام نگرفته باشد. وقتی در رابطه با نا کامیها یا مشکلات شخص رویاهایی به ذهن شخص می‌رسد، باید با بکارگیری نیروی تخیل درباره راه حل مشکلات و شیوه‌های اجرای آن طرحهایی را فراهم آورد و به کشف این نکته پرداخت که «چگونه می‌توان رویاها را به واقعیت تبدیل کرد؟» شما باید با یکی از «روایه‌های روزانه» به تخیل خلاق برسید، اما باید مراقب آن باشید که در زمره میلیونها نفر از کسانی قرار نگیرید که هرگز از رویای روزانه خود قدمی فراتر نمی‌روند.

۲- آشفته کردن ذهن: ذهن آشفته در نتیجه افکار کنترل یا هدایت نشده به وجود می‌آید و بیشتر به رویای بیداری شباهت دارد. در این وضعیت ذهن فرد به حال خود گذاشته می‌شود تا به خواست خود به هر سوی که می‌خواهد سیر کند. وقتی ذهن شخص پر پیچ و خم یا آشفته می‌شود که با توجه به حوادث مربوط به هر لحظه از زندگیش به اینجا و آنجا تغییر مسیر می‌دهد. شما صدای بوق یک اتومبیل را می‌شنوید و در همان لحظه به یاد یک فیلم تلویزیونی می‌افتید که مثلاً شب قبل و همراه با دوستان خود به تماشای آن نشستید. همین یادآوری باعث می‌شود دوستان خود را که شب قبل با شما بوده‌اند به یاد آورید و برای مثال موی بلند و اصلاح نشده یکی از آنان ذهن شما را به خود مشغول سازد.

بعد به این فکر می‌افتید که بهتر است به آرایشگاه بروید و در همین لحظه آرایشگاهی را به یاد می‌آورید که برای آرایش موی سر خود یکبار به آنجا مراجعه کرده‌اید و بلافاصله به این فکر می‌افتید که اخیراً در خیابان محل زندگی شما چند آرایشگاه باز شده است. در این مثال دیده می‌شود که ذهن شما به هر مسیری که در جلوی شما باز شده است وارد می‌شود و در نتیجه ساعتی را با همین افکار خنثی یا ناسودمند سپری می‌کنید و به این ترتیب ساعتی از وقت گرانبهای شما به هدر می‌رود و در نهایت و پس از گذشت چند ساعت حتی آنچه را که در این مدت ذهن شما را به خود مشغول کرده است به یاد نمی‌آورید.

هر چند ممکن است گاه پیچ و خم دادن به افکار برای شخص مفید باشد و مثلاً باعث وانهادگی و استراحت او گردد، اما اگر بیشتر اوقات زندگی خود را به تخیل ناسودمند و غیر جهت دار سپری کنیم و ذهن خود را بی هدف و به هر مسیری که پیش آمد، رها سازیم، حداقل ضرری که متوجه ما خواهد شد آنست که ساعاتی از اوقات گرانبهای خود را بیهوده صرف کرده‌ایم.

۳- نداشتن وقت برای فکر کردن: برنامه روزانه خود را آنقدر پر نکنید که ناگزیر شوید همیشه مشغول به کار باشید و برای اندیشه خلاق فرصتی نداشته باشید. هدف‌های نهایی شما با انجام فعالیت‌هایی نظیر، «فکر کردن»، «برنامه ریزی» و «عمل کردن» تحقق پیدا خواهند کرد و اگر شما بخواهید تنها با «عمل کردن» ولی بدون اندیشه عمل کنید، به هدف نهایی خود نخواهید رسید اندیشیدن و برنامه ریزی باید راهنمای اعمال شما در هر فعالیتی باشد و هر روز راهنمایی جدیدتری در پیش روی شما قرار گیرد.

انجام این تمرین ساده به شما خواهد آموخت تا چگونه فکر و برنامه ریزی کنید.

۴- محول کردن تصمیمات به عهده هیجانها: اگر بخواهید تفکر و تخیل شما مفید باشد، باید تخیل خود را با کمک تصمیم و اراده خود، هدایت کنید. وقتی هیجانها هدایت افکارتان را بر عهده می‌گیرند، در آنصورت اندیشه شما تحریف و گنگ خواهند شد و حالات اغراق آمیز آن نیز شدت می‌یابد. اما وقتی تخیل شما به وسیله اراده‌ای که به کار می‌گیرید، هدایت می‌شوند، در آنصورت می‌توانید در جهت دستیابی به یک هدف فعالیت کنید، برنامه‌های لازم را فراهم آورید و بر مشکلات خود غلبه کنید.

وقتی هیجانهای شما هدایت ذهنتان را به عهده می‌گیرند، در آنصورت افکار شما بر

محور موضوعات خاصی و مانند اسب آسیاب بر گرد محدوده معینی متوقف می‌شود. در این موارد هر چند ممکن است در رابطه با مشکل خاصی زمینه‌های گوناگونی نیز به ذهن شما برسد، اما هیجانها باعث می‌شوند به راه‌های برسید که بتوانید آنرا در عمل بکار گیرید یا اگر چنین راه‌هایی را بکار گیرید در عمل برای شما سودمند نخواهند بود. در این موارد پیشنهاد ما آنست که وقتی از نظر هیجانی تحریک می‌شوید، «صبر کنید». سعی کنید خود را آرام نگهدارید و سعی کنید دلیل و منطق راهنمای اعمال شما باشد. بعد از عبور از این مرحله اکنون می‌توانید به ذهن خود اجازه دهید تا به تخیل خلاق پردازد.

۵- تبعیت بدون فکر و اندیشه از عقاید سنتی: به یاد داشته باشید که «گاه» یک اندیشه یا شیوه عمل برای یک اندیشه یا شیوه عمل نوالی مؤثر، مانند یک دشمن عمل می‌کند. گاه فائق آمدن بر عقاید و نظریات و شیوه‌های غیر مؤثر و حتی ناسودمند سنتی برای عمل یا فکر کردن، کار بسیار دشواری است، اگر عقاید سنتی یا قدیمی نمی‌تواند شما را در حل مشکلی که در پیش رو دارید کمک کند، از تخیل خود کمک بگیرید و در ذهن خود مسیرهایی را پیگیری کنید که قبلاً و به واسطه غلبه افکار سنتی اجازه پیگیری این مسیرها را به ذهن خود نمی‌دادید برای روشنتر شدن مطلب بد نیست به گوشه‌ای از زندگی «کپرنیک» عالم بزرگ علم نجوم اشاره کنیم. او سالها به مطالعه کرات آسمانی پرداخت و قصد داشت راز حرکت ستاره‌ها را کشف کند او هر شب ستاره‌ها را در گردش ظاهری که به دور کره زمین داشتند نظاره می‌کرد ولی نمی‌توانست معمای آنها برای خود حل کند. اما یک روز تصمیم گرفت تا از شیوه سنتی فکر کردن در این زمینه عدول کند. او سعی کرد آنچه را که از روی کره زمین و در آسمان می‌بیند فراموش کند و به تخیل در این زمینه پردازد که اگر یک نفر مانند خود او ولی این بار در کره خورشید بایستد و به آسمان نگاه کند، در آنصورت با چشمان خود چه خواهد دید، همین تخیل یا رویکرد بدیع فکری او را در کشف نهایی مسیر سیاره‌ها و حرکت آنان به دور یک مدار، موفق گردانید.

پیشنهاد ما برای پرورش تخیل خلاق در شما آنست که برای مقابله با افکار دست و پاگیر قدیمی چیزی را «مسلم» فرض نکنید و در رابطه با مشکلی که در پیش دارید همیشه در پی زاویه‌ای جدید و نقطه نظر تازه‌ای باشید. عقاید پذیرفته شده خود را با وسعت نظر بیشتری مورد نقد و بررسی قرار دهید و برای انجام هر کاری سعی کنید از محدوده‌های یاد گرفته شده یا شیوه‌های فکر کردن سنتی در مورد آن، فراتر روید.

۶- نگران شدن: نگرانی یکی از هیجانهای آدمی است که باعث می شود استعداد خلاق شخصی فلج شود و فرد نتواند از این توانایی والای خود بهره بگیرد. با بکارگیری تخیل خلاق خود برای تهیه و اجرای برنامه های سازنده، بر موقعیت های نگران کننده فائق آید یا در مواردی که ضروری به نظر می رسد، با موقعیت نگران کننده به مقابله پردازید و به نحوی مشکل خود را به شیوه های معقول حل کنید.

مراحل مختلف تفکر خلاق

همه افکار خلاق آدمی از الگوی خاصی تبعیت می کنند. اما باید توجه داشت که شما نمی توانید از این الگوی خاص مانند یک فرمول استفاده کنید و به دلخواه خود از یک مرحله به مرحله دیگر تفکر خلاق وارد شوید. اما آشنایی با این الگوی خاص به شما کمک می کند تا متوجه شوید که ذهن فعال شما به کدام مرحله از تخیل خلاق رسیده است و احتمال رسیدن آن به کدام مرحله دیگر وجود دارد. آنچه در زیر آورده شده است مراحل مختلف فرآیندی است که به وسیله آن ذهن متفکر و درگیر تخیل خلاق باید از آن بگذرد تا به افکار، عقاید و برنامه های جدید دست یابد.

۱- آمادگی: در مرحله اول باید مشکل یا طرحی را که مایل به حل آن هستید، مشخص سازید. برای این منظور حافظه، توانایی، استدلال و مهارت های ذهنی دیگر خود را بکار گیرید تا مشکل خود را به دقت تعریف و مشخص سازید، در رابطه با آن واقعیتها و اطلاعات مفید دیگر را جمع آوری کنید و قبل از اقدام به هر عملی، این اطلاعات و واقعیتها را به بخش های قابل فهم تقسیم و آنرا تجزیه و تحلیل کنید.

۲- خلق اندیشه: در این مرحله اندیشه های خلاق و حیاتی به ذهن شما می رسد و این احتمال که در نهایت مشکل شما حل شود، افزایش می یابد، در این مرحله می توانید راه حل های گوناگون را در نظر بگیرید و به همان ترتیبی که این راه حلها به ذهنتان می رسد آنها را در دفترچه ای یادداشت کنید.

وقتی درباره این راه حلها به قضاوت و نقد و بررسی می پردازید، در نظر داشته باشید که جریان اندیشه ها قطع می شود. در اینصورت مراقب باشید که قضاوت درباره راه حلها، مانع از فرآیند خلاق ذهن شما نشود.

۳- باز پیدایی: پس از طی مراحل فوق بالاخره به مرحله ای می رسید که از فراوانی

اندیشه‌های گوناگونی که به ذهن شما می‌آید، کاسته می‌شود و اندیشه تازه دیگری به ذهن شما نمی‌آید. در این مرحله می‌توانید به یادداشت‌های خود مراجعه کنید و راه‌حلهایی را که ظاهراً غیر عملی یا خیال پردازی صرف به نظر می‌رسند، حذف کنید، اندیشه‌های مشابه را کنار هم بگذارید و به اندیشه‌هایی که برای روشنتر ساختن آن به اطلاعات بیشتر یا به تفکر بیشتر نیاز دارید، توجه بیشتری نشان دهید، در این مرحله می‌توانید نتایج مرحله‌ای را که طی آن خلاقیت و نوآوری فکری داشته‌اید، منظم کنید.

۴- قضاوت: در این مرحله می‌توانید همه توان خود را برای نقد و بررسی افکار خود بکار گیرید و فهرست اندیشه‌هایی را که به ذهن شما رسیده است با دقت مورد آزمایش قرار دهید، این اندیشه‌ها را ارزیابی کنید، اندیشه‌هایی را که به نظر می‌آید نا کافی هستند کنار گذارید تا بهترین اندیشه‌های شما که امکان عملی شدن آن وجود دارد و شما می‌توانید از آن برای حل مشکل خود یا نیل به هدف‌های موردنظرتان استفاده کنید، در فهرست اندیشه‌هایتان باقی بماند.

باید توجه داشته باشید که مرحله نقد و انتقاد و قضاوت درباره اندیشه‌ها اهمیت زیادی دارد. اگر نقد و بررسی یا قضاوت درباره اندیشه‌ها در مرحله دوم انجام گیرد، در آنصورت خلق اندیشه‌های گوناگون متوقف خواهد شد.

به یاد داشته باشید که برای دستیابی به تفکر خلاق نمی‌توان مراحل چهارگانه این فرآیند را کوتاهتر کرد. در این مورد باید گفت که هر چند ذهن آدمی غالباً با ظرافت بسیار از یک مرحله به مرحله دیگر وارد می‌شود و معمولاً فرد متوجه این مراحل نمی‌شود. خلق اندیشه‌های بدیع و بکر که در مرحله دوم انجام می‌گیرد باعث می‌شود تفاوت بین یک نفر نابغه و فرد دیگری که فقط باهوش است، تفاوت بین یک نفر «آغازگر» با فردی که پیرو است و بالاخره تفاوت بین یک فرد موفق و یک نفر ناموفق مشخص شود.

چگونه می‌توان تخیل خلاق را بکار گرفت؟

۱- همیشه این باور را داشته باشید که اگر به استعداد خود برای تخیل خلاق اجازه فعالیت دهید، می‌توانید مشکلات را سریعتر و مناسبتر حل کنید. نقش تخیل از آن جهت از تحریک ذهنی صرف مهمتر است که کار تخیل خلاق «برداشتن موانع و زنجیرهایی

است که ذهن را از فعالیت خلاق باز می‌دارد». این موانع عبارتند از، عادات، سکون و ناکار آمدی، ترس از مورد استهزاء قرار گرفتن، عرف و عادت، اشکال سنتی فکر کردن، نقد و انتقاد زودرس و نظایر آن.

۲- «اعتقاد» خود را نسبت به تواناییهای خویش و قدرت خود در تشخیص نهایی بلند پروازها تقویت کنید. کلید رسیدن به این هدف آنست که هر روز هدف مورد نظرتان را برای خود تکرار کنید. وقتی ذهن آدمی به این «اعتقاد» رسید که انجام کاری امکان پذیر است، راههایی نیز برای انجام دادن آن پیدا خواهد کرد.

۳- کلمه «غیر ممکن» را از بیانات خود حذف کنید، شما می‌توانید هر هدفی را که به آن اعتقاد دارید برای خود انتخاب کنید و در نهایت به آن برسید. اما لازمه این موفقیت آنست که توانایی خود را به درستی ارزیابی کنید. امکانات موجود را بشناسید و در عین حال اهمیت عواملی نظیر، برنامه ریزی، خلاقیت تخیل و بالاخره، سعی و کوشش و پیگیری را دست کم نگیرید.

۴- وقتی با یک مشکل یا وضعیت سخت مواجه می‌شوید، به موانع یا مشکلات پشت نکنید و به جای نگران شدن، تمرکز فکری خود را به دلایل مربوط به اینکه چگونه «می‌توانید» این مشکل را حل کنید معطوف سازید و دلایل مربوط به اینکه چرا نمی‌توانید مشکل را حل کنید به فراموشی بسپارید.

۵- شیوه‌هایی را برای گسترده‌تر کردن تجربه‌های خود پیدا کنید. برای رسیدن به این مقصود کارهای تازه‌ای انجام دهید، موضوعات جدیدی را مطالعه کنید، به محلهای ناآشنا بروید، وقتی به رستورانی می‌روید غذاهایی را که تاکنون نخورده‌اید، سفارش دهید... با خود قرار بگذارید که هر روز یک تجربه هر چند کوچک را به دست آورید و مثلاً از راهی تازه به محل کارت‌تان بروید.

۶- به گروه یا انجمنی ملحق شوید که در رابطه با کار شما در فعالیت هستند و در جلسات سخنرانی آنان شرکت کنید و بالاخره سعی کنید در فعالیت‌های گوناگون این انجمن‌ها مشارکت داشته باشید، نسبت به رشد و توسعه کار و بهبود شرایط کار خود علاقه و توجه نشان دهید. با عقاید و افکار جدید در رابطه باشید و اطلاعات خود در این زمینه‌ها را «به روز» نگهدارید، در رابطه با شغل خود فتنون جدیدتر را فرا بگیرید و در نظر داشته باشید که شغل شما در هر زمینه‌ای که باشد مرتب در حال تغییر و تحول

می‌باشد.

۷- با توجه به علائق و سرگرمیهای خود حداقل به یک گروه تفریحی ملحق شوید، در جلسات آنان شرکت کنید و حداقل هفته‌ای یکبار از وقت خود را همراه با این گروه‌ها به ورزش و تفریحات سالم بپردازید و در فضایی شاد و همراه با مردم علاقمند و سرشار از روحیه شاد و امید، استراحت کنید.

۸- جدول حل کنید، به معماها پاسخ دهید و ذهن خود را فعال و هشیار نگه دارید. برای مثال، اگر بتوانید هر روز به یکی از جداول مربوط به بازی با کلمات پاسخ دهید، متوجه خواهید شد که هر چند فکر کردن درباره آن مشکل است، اما مهارت شما در بکارگیری کلمات و تسلط بر زبان افزایش خواهد یافت و به این ترتیب توانایی شما برای توجه به معنی کلمات به شیوه‌های غیر معمول افزایش خواهد یافت، این مهارتها می‌تواند شما را در حل مشکلات دیگر یاری دهد.

۹- با هدف به مطالعه بپردازد و وقت خود را کمتر صرف مطالعه بی‌هدف و صرفاً برای لذت صرف کنید. برای اینکه نیروی تخیل خود را برانگیزید و در عین حال اطلاعات و دستورالعمل‌های مفیدی را فراگیرید، مطالعه کنید و با مطالعه به هدف‌های مشخصی دست یابید. مطالعه آزاد و «اهل مطالعه» بودن اقدامی است که معمولاً افراد در ایام فراغت و برای لذت بردن از وقت آزاد خود انجام می‌دهند. «این نوع مطالعه را با مطالعه واقعاً ارزشمندی که مردم اصطلاحاً تحصیل کرده آنرا کم ارزش به حساب می‌آورند، اشتباه نکنید».

آنچه را که ممکن است بیشتر معلمان مدارس تحت عنوان «محصل درس خوان» یا «اهل مطالعه» بودن ستایش کنند، معرف افرادی است که هر چند ممکن است ذهن آنان از عقاید و نظریات دیگران انباشته شده باشد، اما معمولاً ذهن آنان فاقد خلاقیت و نوآوری فکری است. برای گذر از این مرحله کتاب‌هایی را مطالعه کنید که بتوانند «واقعیت‌ها» و «اطلاعات» لازم را برای دستیابی به هدف‌هایتان در اختیار شما قرار دهند حتی در رابطه با تفریحات و ایام فراغت خود نیز کتابهایی را مطالعه کنید که می‌توانند شما را در کسب مهارت‌های لازم برای موفقیت در کارهایتان یاری دهند یا چگونگی انجام کارها را به شما بیاموزند. هر چند ممکن است مطالعه در زمینه ادب، هنر و ادبیات به معنای وسیع آن باعث شود با نظریات، عقاید و احساسات نویسندگان بسیاری آشنا

شوید، اما این مطالعات کمتر می‌تواند شما را در جهت دستیابی به خواسته‌هایتان یاری دهد، اگر شما مدیر یک سازمان یا مسئول بخشی از آن سازمان هستید درباره شیوه‌های رهبری، رفتار سازمانی، سازمان دادن، برنامه ریزی، بودجه بندی، کنترل و نظایر آن مطالعه کنید. اگر شغل شما حسابرسی است در زمینه حسابرسی و اگر مدیر امور اداری یک سازمان هستید در زمینه تجزیه و تحلیل شغل و شیوه‌های آزمایش و انتخاب آموزش و ارزشیابی کارکنان و نظایر آن مطالعه کنید.

۱۰- از همین نقطه‌ای که اکنون در آن واقع هستید، آغاز کنید و تخیل خود را در زمینه مسائل و موقعیتهایی که در حال حاضر با آن سر و کار دارید، بکار گیرید و به انتظار نشینید تا اوضاع و احوال و شرایط به نفع شما تغییر کند.

از هم اکنون تصمیم بگیرید که تخیل خود را بر محور ضروری‌ترین کارهای خود که هم اکنون درگیر آن هستید، بکار گیرید.

۱۱- دیگران را ترغیب کنید تا درباره مشکل یا برنامه مورد نظر شما اظهار نظر یا صحبت کنند. از آنان سؤال کنید که اگر با مشکل شما مواجه شوند چگونه آنرا از پیش پای خود برمی‌دارند و در این مورد چه اطلاع یا تجربه خاصی دارند که ممکن است به شما کمک کند. صبر نکنید تا دیگران بر حسب تصادف درباره مشکل یا برنامه شما صحبت کنند، از آنان سؤال کنید و سپس با دقت به سخنان آنان گوش دهید.

۱۲- همیشه دفترچه یادداشتی به همراه خود داشته باشید و واقعیت‌های مفید را در آن یادداشت کنید. این دفترچه یادداشت را نیز همیشه به همراه داشته باشید. اندیشه‌ها و واقعیت‌ها را، «در همان لحظه‌ای که به ذهن شما می‌رسد، یادداشت کنید». اگر این واقعیت‌ها و اندیشه‌ها را فوراً یادداشت نکنید، به احتمال بسیار آنها را فراموش خواهید کرد. گهگاه و در موقعیت‌های مختلف به یادداشت‌های خود مراجعه کنید. وقتی می‌خواهید مشکل جدیدی را حل کنید، نگاهی اجمالی به یادداشت‌های خود بیاندازید. ممکن است در یادداشت‌های خود نکته‌ای را پیدا کنید که هر چند ظاهراً بامشکل کنونی شما ارتباطی نداشته باشد، اما این احتمال نیز وجود دارد که همان نکته یا مطلب ساده آغاز راه شما برای حل مشکل کنونی باشد.

۱۳- از اوقات خود به خوبی استفاده کنید و کنترل زمان را بر عهده داشته باشید. اگر مدیریت زمان و اوقات خود را به نحو موثری بر عهده داشته باشید، متوجه خواهید شد که

توجه شما نسبت به تفکر خلاق، بیشتر می‌شود، می‌توانید اوقات بیشتری را صرف تخیل خلاق خود کنید و از توجه خود نسبت به امور دیگری که در لحظات به ذهن شما می‌رسد، بکاهید.

۱۴- نتایج کوششهای روزانه خود را کنترل کنید. هدف‌ها یا کارهایی که هر روز باید انجام دهید، مشخص کنید و بدانید که برای مثال امروز باید چه اقداماتی را انجام دهید. در ذهن خود چارچوب منظمی را ترسیم کنید تا بکارگیری تخیل خلاق برایتان تسهیل شود.

۱۵- همیشه از یک برنامه برای «عمل» تبعیت کنید و کاری را بدون برنامه انجام ندهید. هدفمند باشید و همیشه در جهت دستیابی به هدفی فعالیت کنید که در پیش روی شما قرار گرفته است. به یاد داشته باشید که تخیلات شما نمی‌تواند در خلاء و بدون وجود برنامه موثر واقع شود.

داشتن این احساس که هدفی را در پیش روی خود دارید و در جهت خاصی حرکت می‌کنید، باعث می‌شود تخیل شما در جهات خلاق فعالتر شود به یاد داشته باشید که عواملی نظیر نگرانی، اضطراب، بیماری، خستگی، اختلالات فکری و افسردگی باعث می‌شود تخیل خلاق شما به حداقل برسد.

۱۶- هر روز «لحظاتی» را به تنهایی و در خلوت بنشینید و به تفکر خلاق بپردازید. موفقیت شما در داشتن تفکر خلاق بستگی به آن دارد که چگونه ذهن خود را برای تخیل خلاق «آسوده» نگهدارید. در اختصاص دادن لحظاتی برای تفکر خلاق در هر روز نظم و ترتیب داشته باشید. برای این منظور می‌توانید در هر روز اقدامات زیر را انجام دهید:

الف- به یادداشت‌های خود مراجعه کنید تا شاید در رابطه با مشکل امروز خود، به نکته مفیدی دست یابید.

ب- از همه یادداشت‌ها و فهرست‌ها، کاتالوگها و مانند آن استفاده کنید. با فراهم آوردن مجموعه‌ای جامع از واقعیت‌ها و اطلاعات در یک زمینه خاص، ذهن شما برای تخیل خلاق فعالتر می‌شود.

پ- در زمانها و اوقاتی که برای خود پیش بینی کرده‌اید، به تفکر خلاق بپردازید و در انتظار این که حال و حوصله پیدا کنید و راه حل درستی به شما الهام شود، نباشید.

تفکر خلاق را شروع کنید و به یاد داشته باشید که راز موفقیت شما همان کار منظم و مطابق برنامه می‌باشد.

ت- اگر در یک روز خاص نتوانستید به تفکر خلاق در مورد مسائل خود پردازید، تسلیم نشوید. در این مواقع پیاده روی کنید، قدم بزنید یا کار دیگری را انجام دهید که نیاز به فکر کردن نداشته باشد. بعد از این فعالیت‌ها مجدداً درباره راه حل مشکل خود یا برنامه‌ای که برای حل مشکل در پیش روی خود در نظر دارید، فکر کنید و بدانید اگر به تفکر خلاق و پیگیر در مورد مساله‌ای که با آن مواجه هستید پردازید، احتمال موفقیت شما برای حل مناسب آن افزایش خواهد یافت.

ث- در هر یک از جلساتی که هر روز برای اندیشه خلاق خود اختصاص داده‌اید، هر بار یک سؤال مشخص را برای خود مطرح سازید. در این موقع سعی کنید اندیشه‌های مبهم را از ذهن خود دور کنید و از مشغول کردن ذهن خود با مشکلات عمومی بپرهیزید. مشکل کاملاً خاص و دقیقی را که می‌تواند شما را به یک جواب مشخص راهنمایی کند مد نظر قرار دهید. برای مثال، فکر کردن در مورد اینکه، «چگونه می‌توانم در وقت خود صرفه جوئی کنم؟ بسیار کلی است اما با طرح این سؤال که «چگونه می‌توانم در رفت و آمد به سازمان محل کارم وقت کمتری را صرف کنم؟» ما یک مشکل عینی را مطرح می‌سازیم که می‌تواند منتهی به پاسخهایی مفید و موثر گردد.

ج- برای دستیابی به پاسخ یا راه حلهای مناسب یک ضرب العجل برای خود بگذارید و مثلاً به خود بگوئید، «در این تاریخ و تا این زمان باید بهترین راه حل را برای مشکل خود پیدا کرده باشم».

چ- تا آنجا که می‌توانید راه حلهای بیشتری را برای مشکل خود به ذهن آورید سپس این راه حلها را یادداشت کنید.

ح- می‌توان گفت تقریباً همه اندیشه‌های خوب و اصلی که به ذهن آدمی می‌رسد از ترکیب گوناگون و غیر منتظره اندیشه‌ها، افکار و پدیده‌هایی به وجود می‌آید که قبلاً شخص آنها را می‌دانسته یا به کار می‌برده است. همیشه شیوه‌های کشف روابط بین پدیده‌های گوناگون را بکار گیرید تا بتوانید به راه حلهای جالبتری دست یابید.

خ- وقتی در اندیشه حل یک مشکل هستید، همه آنچه را که به ذهنتان می‌رسد مورد بررسی قرار دهید. در ابتدا وقتی به مشکل خود فکر می‌کنید راه حل‌های کمتری به ذهن شما می‌رسد، اما تدریجاً راه حل‌های بیشتری به ذهن شما خواهد رسید. در این مواقع اجازه ندهید بعضی از راه حلها، هر چند عملی ساختن آن نیز بعید به نظر می‌رسد، از

ذهنتان دور شود و این راه حل‌ها را مورد بررسی قرار دهید. قضاوت در مورد این راه حل‌ها را به تعویق اندازید و در مورد آنها سریع قضاوت نکنید. اجازه دهید تخیل شما آزاد باشد و تا هر کجا که ذهن شما می‌تواند به پرواز درآید. «همه» اندیشه‌هایی را که به ذهنتان می‌رسد بدون توجه به اینکه ممکن است مسخره یا غیر عملی به نظر آید، یادداشت کنید. در این مرحله از نقد و بررسی راه حل‌ها بپرهیزید و در مقابل، «همه آنچه را» که ذهن شما خلق می‌کند، یادداشت کنید.

د- در مواقعی که به تفکر خلاق می‌پردازید از هر گونه «انتقاد» اندیشه‌های خود، بپرهیزید. دلیل تکرار این جمله آنست که پرهیز کردن از انتقاد در مرحله تفکر خلاق برای دستیابی به راه‌حل‌های مناسب واجد اهمیت بسیار است. انتقاد از اندیشه‌ای که به ذهن ما می‌رسد، باعث می‌شود خلاقیت، نوآوری و ابتکار در همان لحظات اولیه از ذهن ما دور شود.

ذ- برای حل مشکل مورد نظر خود ابتدا همه «واقعیت‌های مثبت» مرتبط با آن را جمع‌آوری کنید سپس اطلاعاتی را که در مقدمات کارگرد آورده‌اید به آن اضافه کنید و بالاخره تخیل خود را بکار گیرید و در انتظار نتایج شگرف آن باشید.

ر- وقتی احساس کردید که به تعداد کافی اندیشه‌های نو به ذهن شما رسیده است، در این مرحله می‌توانید به قضاوت پردازید. اما هدف خود را بزرگتر انتخاب کنید و مثلاً به خود بگوئید که «در هر جلسه تفکر خلاق باید پنجاه اندیشه و راه حل به ذهن من برسد» وقتی به این مرحله رسیدید، می‌توان گفت که مرحله نقد و بررسی و انتقاد اندیشه‌ها فرا رسیده است. برای این منظور ابتدا اندیشه‌هایی را که کاملاً بی‌فایده به نظر می‌آیند و شما نیز قانع شده‌اید که نباید وقت خود را صرف آن کنید، به فراموشی بسپارید. از بقیه راه حل‌ها نیز بهترین آنها را انتخاب کنید. این راه حل‌ها را مجدداً مورد نقد و بررسی قرار دهید و بعد از تأمل کافی یکی از آنها را به عنوان بهترین راه حل انتخاب کنید و سپس از آن راه حل به عنوان «برنامه فکری برای عمل» استفاده کنید. شما باید اندیشه‌های خود را «به عمل تبدیل کنید». هر چه جلسات فکری شما بیشتر به عمل تبدیل شود، به همان نسبت نیز در جلسات بعدی تخیل خلاق بیشتری خواهید داشت.

ز- اگر نسبت به ارزش برنامه یا اندیشه‌های خود اطمینان ندارید، از دیگران بخواهید آنها را مورد نقد و بررسی و حتی انتقاد قرار دهند و به این وسیله برنامه عمل خود را مورد

ارزیابی قرار دهید.

مآخذ

- 1- BARRON F. & D.M. HARRINGTON (1981), (CREATIVITY, INTELLIGENCE, AND PERSONALITY), ANNUAL REVIEW OF PSYCHOLOGY, 32,PP. 439-476.
- 2- MUMFORD M.D. & S.B. GUSTAFSON, (CREATIVITY SYNDROME, INTEGRATION, APPLICATION, AND INNOVATION). PSYCHOLOGICAL BULLETIN, 103, PP. 27-43.
- 3- POINCARÉ H. AUGUST,1984, (MATHEMATICAL CREATION),SCIENTIFIC AMERICAN , PP. 14-17.
- 4- NICHOLIS J.G. (1972), (CREATIVITY IN THE PERSON WHO WILL NEVER PRODUCE ANYTHING ORIGINAL OR USEFUL, THE CONCEPT OF CREATIVITY AS A NORMALLY DISTRIBUTED TRAIT) , AMERICAN PSYCHOLOGIST, 27, PP. 717-727
- 5- KERSHNER. J.R. & G. LEDGER (1985), (EFFECT OF SEX, INTELLIGENCE, AND STYLE OF THINKING ON CREATIVITY: A COMPARISON OF GIFTED AND AVERAGE I.Q. CHILDREN), JOURNAL OF PERSONALITY AND SOCIAL PSYCHOLOGY, 48, PP. 103-104.

